

کاهش ۱۸ درصدی شمارگان و افزایش ۲۳ درصدی قیمت کتاب‌های کودک و نوجوان

آمارهای رسمی نشر نشان از کاهش ۱۸ درصدی شمارگان و افزایش ۲۳ درصدی قیمت کتاب‌های کودک و نوجوان در شش ماهه نخست سال جاری نسبت به شش ماهه سال گذشته دارد. به گزارش تنسیم، در شش ماه نخست سال جاری چهار هزار و ۶۷۶ عنوان کتاب در حوزه کودک و نوجوان منتشر شده است. مقایسه این رقم با تعداد چهار هزار و ۶۵۹ عنوان کتاب منتشره در شش ماه نخست سال گذشته نشان می‌دهد که کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان تغییر چندان ناشته است. در شش ماه نخست سال ۹۴ تعداد کتاب‌های تالیفی کودک و نوجوان دو هزار و ۹۱۶ عنوان بوده است که نسبت به سال گذشته (سه هزار و ۷۱۰ عنوان) در حدود

۵۵ درصد کاهش یافته است.

همچنین شمارگان متوسط کتاب‌های تالیفی کودک و نوجوان در حدود ۱۸ درصد کاهش داشته است. کتاب‌های ترجمه شده در موضوع کودک و نوجوان در سال ۹۴ هزار و ۷۲۲ عنوان بوده است که نسبت به سال گذشته (هزار و ۵۸۸ عنوان) در حدود ۱۱ درصد افزایش یافته است. شمارگان متوسط کتاب‌های ترجمه شده کودک و نوجوان در حدود ۹ درصد کاهش داشته است. همچنین شمارگان متوسط کتاب‌های کودک و نوجوان در ۱۸ درصد کاهش و قیمت میانگین کتاب‌های این حوزه ۲۲ درصد افزایش داشته است.

بخش اول

این روزها جریان فکری یا مکتبی برای نشر اندیشه های خود در بین سطوح مختلف جامعه و همچنین حفظ پایگاه اجتماعی خود نیازمند « رسانه» بوده و یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه برای هر مکتب، ارائه چهره‌ای صحیح از آن به جامعه است.
با این مقدمه، بدترین حالت ممکن برای یک مکتب، زمانی اتفاق می افتد که علاوه بر رسانا رسانه‌ها، رسانه‌ای که در اختیار آن مکتب است نیز نتواند تصویری درست از آن به اعضای جامعه نشان دهد. در این بین تشعب، به عنوان مکتب اصیل تاریخی، نیازمند رسانه‌ای قدرتمند به منظور معرفی خویش است و «هیات» یا «پایگاه» است که به عنوان یکی از قدرتمندترین و جریان سازترین رسانه های این مکتب در طول تاریخ شناخته می شود.
امروزه بسیاری از متفکران و روحانیون شیعی معتقدند این رسانه در برخی موارد در خدمت کسانی قرار گرفته است که از بسیاری از اصول مکتب بی اطلاع یا بعضا بی‌ان بیگانه اند. مهدی مسائلی، طلبه‌ای نواندیش است که در بسیاری از آثار خود به بررسی این موضوع و آثین ها و رفتارهای مرسوم در هیات و عزاداری ها پرداخته است. در ادامه گفت و گوی اصفهان زیبا با حجت الاسلام مسائلی پیرامون آسیب شناسی هیات و عزاداری را می خوانید.

■ به نظر شما برای هیات و عزاداری در زمان ائمه (ع) الگویی داریم؟

نمی توانیم بگوییم هیات به طور مستقیم توسط ائمه (ع) گرفته شده است، اما ارکان اصلی آن شامل مرتبه خوانی و زنی سیدالشهدا(ع) توسط این بزرگواران بنا نهاده شده است. بنابراین روضه خوانی توسط خود ائمه (اهل‌طهار) است. سفارش و ترویج شده است. به عنوان نمونه در کتاب «عیون اخبار الرضا» تأکید فراوانی بر عزاداری و بیان مصائب سیدالشهدا(ع) شده است.
با توجه به محدودیت و ممنوعیت جمععات شیعی در دوران حیات ائمه (اهل‌طهار) (ع) ساختار هیات در دوره های بعدی با تمرکز بیشتر حلقه های شیعی شکل گرفت.
به طور کلی اولین اجتماعات عزاداری مطابق با اسناد تاریخی در حکومت آل بویه و برخی حکومت های شیعی هم عصران مانند آل همدان سابق رونق گرفت، ولی شکل گیری جلسات عزاداری با نام «هیات» به بعد

مسجد اعظم



مشهد

هیچ‌سک فکرش را نمی‌کرد که بعد از محرم سال ۶۱ هجری وباگذشت چیزی نزدیک به ۱۴۰ سال، اینجا دروایران بیشترین مجلس عزاداری ریای پسر فاطمه(ع) برپا شود. گوشه‌ای از کشور نيمت که سیاه‌پوش نشود و رنگ عزای خود نگيرد و گویی ايران تبديل به يك هيأت ۷۵ ميليونی می شود که در آن نژاد و آيين ها مهم نيست و این شور و معجزه حسين (ع) است که در همه جا موج می‌زند.

در میان این ده‌هزار هیات که هر کدام مخاطب خاص خودشان را دارند هیات‌ها و تکیه‌هایی وجود دارند که نه آنقدر کوچکند که خانگی ومحلی محسوب شوند و نه آنقدر بزرگ و معروفند که باوجود چهره‌های معروف و تبلیغات همه شهر آنها را بنشانند، اما آنقدر قدیمی و کار درست هستند که خیلی‌ها از نقاط مختلف شهر، خودشان را به آنجا برسانندو فقط آنجا برای ارادت به سالار شهیدان(ع) انتخاب‌کنند.

⬡ لذت عزاداری در یک تکیه ۳۰۰ ساله

یکی از این تکیه‌ها، تکیه «حسن خاکی» یا حسینیه خواجوی اصفهان است که باقدمتی نزدیک به ۳۰۰ سال در خیابان چهارباغ خواجو، کوجه میرزا کریم واقع شده است. شاید در ابتدا بیش از همه چیز اسم غالب این تکیه بوده، آدم راه خود جلب کند، اما اگر بداند این تکیه چه فراز و نشیب‌های جالبی در طول تاریخ طی کرده و این مکان نزد مردم چه تقدسی دارد و چه افرادی بدون هیچ ادعا و نیت خاصی خادم‌الحسینی این تکیه را برعهده داشته‌اند، شاید شما هم برنامه امسال خود را برای ظهر عاشورا عوض کنید و به آنجا بروید. همان طور که می‌دانید تکیه‌ها، مکان‌های

خرمین

این همه علی‌اصغر یا لباس‌های سیزو چغیه و سربندهای «یاعلی‌اصغر» آماده و مهیا شده‌اند تا در رکاب امام زمان خویش باشند، مادرانی آمده‌اند تا فرزندان شش‌ماهه خود را نذر صاحب‌الامر(ع) کنند تا در قیام حضرت، قدم‌های محکمی در راه حق بردارند و نفلغزند؛ مثل علی‌اصغرهایی که امروز در دستان پدرشان، در جنگی بی‌حمانه و نابرابر، بی‌گناه شهید می‌شوند. برایی مجلس بزرگ

فرهنگ و هنر

آثار منتشر نشده بنان به بازار می‌آید

دبیر موسسه ماهور از انتشار تازه ها و آثار منتشر نشده زنده یاد غلامحسین بنان خواننده فقید موسیقی ایرانی بعد از ایام محرم و صفر در قالب پنج آلبوم موسیقایی مستقل خبر داد.
به گزارش مهر، مدیر این موسسه فرهنگی هنری با اعلام خبر انتشار آلبوم های تازه گردآوری شده مرحوم بنان توضیح داد: این آثار موسیقایی در قالب پنج اثر مستقل با نام هایی چون «گل صحرایی» و «راز دل» بعد از ایام محرم و صفر منتشر می شود. این آثار به آهنگسازی هنرمندانی چون روح الله خالقی، علی نقی وزیری، اکبر محسنی و تعدادی دیگر از هنرمندان برجسته حوزه موسیقی انجام گرفته است که در سال های حیات مرحوم بنان به صورت مستقل تولید شدند، دبیر موسسه ماهور از انتشار تازه ها و آثار منتشر نشده زنده یاد غلامحسین بنان خواننده فقید موسیقی ایرانی بعد از ایام محرم و صفر در قالب پنج آلبوم موسیقایی مستقل خبر داد.

اما تا به امروز در بازار منتشر نشده بودند. وی ادامه داد: خوشبختانه در تدوین و گردآوری این آثار، همسر مرحوم بنان تلاش فراوانی داشت که جادار از وی سیاست‌گذاری کنم. این آلبوم ها مجموعه های بسیار ارزشمندی هستند که به دلیل بزرگانده و متفاوت بودن کمتر به گوش مخاطبان ایرانی رسیده اند، بنابراین تصور می‌کنم، می‌توانند در معرفی آثار این استاد مسلم موسیقی ایرانی موفق عمل کنند. نکته جالب توجه اینکه یکی از آلبوم ها مربوط به صفحه‌هایی است که مرحوم بنان آنها را در بازار موسیقی منتشر کرده بود، اما عمدتا مخاطبان کمتری به آن دسترسی داشتند.

محرم خوانی محمود فروزرخش

این روزها دم‌چطور خیابان‌گردی می‌کنیم؟



خیابان‌گردی این روزها حال و هوای دیگری دارد؛ دیدن شهر سیاه‌پوش و جمع شدن رنگ‌های مختلف زیر رنگ و پرچمی‌که از اعماق تاریخ شیعه برافراشته شده تا در زیر سایه آن هویت ما شکل گیرد.

از محرم نمی‌شود کنار گرفت و هر چقدر هم که از کنار پیاده‌رو بروی باز هم تا چشم کاری کند، رنگ حسینی است. پس تو خواه تا خواه درگیر یک قیامت زود هنگام شد ای که برای آن سه‌ه یا بیشتر نداری؛ راه اول رست تحلیگرانه و قدم‌زدن به قصد مشاهده‌گری اجتماع است؛ این یعنی همان قاطی نشدن و به عبارتی دست‌را به آتش نرساندن، از آن دوربا وزنی از حرارت باد آورده، گرما گرفتن، اما از یخ خود آب نشدن، همچنان خود را غد و محکم نگاه داشتن، خلق الله را به نظاره ایستادن و مورد نقد و بررسی قرار دادن، خود را تافته جدا بافته دانستن و دیگران را دیگری ندانستن؛ این مرام مردم نوع اول است، مرام چرندی مانند عطش ظهیر تابستان و آب نخوردن و یا برهنه شدن، اما درآب نپریدن. راه دوم قاطی مردم شدن، به این سو و آن سو سرک کشیدن، اما بدون نیت، در شور و شرکت کردن، اما بدون شعور و بالا و پایین رفتن بدون هدف. نه مثل نوع اول در پیاده‌رو که این بار در متن خیابان بودن و نه مثل نوع اول مشاهده‌گر که این بار قائل و سخت‌کوشا بودن.

یکی شدن، اما بدون مقدمات لازم از جهت حفظ کافی ولذت واقی بردن. یا جمعیت، توده وار حرکت کردن بدون اندیشیدن وبدون درد داشتن. عاشورا را خواستن و طلب بودن، نه به خاطر یک فهم تاریخی؛ یا تمنا بی‌عرقانی، بلکه به خاطر هیجانی دورهمی؛ همچون شخصی که در کربلا حاضر بشود و در آن لحظات قتلگاه با شمر و سنان سلفی بگیرد! راه سوم جاده مواصلاتی «من» به «ما» است؛ جاده‌ای که چراغ قرمز دارد و پشت آن باید اندیشید و بعد از آن با اندیشید، عاشورا می‌آید تا ما درست در وسط معرکه قرار بگیریم و اگر در کربلای ۶۱ نبودیم، اکنون در نفسای ظهور، های و هوای محرم می‌آید تا بیدار شویم و خود را با عاشورای همیشه جاودان و جاری تاریخ پیوسته بدانیم. پس فصل، فصل یکی شدن است؛ فصلی که دومی ندارد، فرصت تنگ است و باید در یکی از همین دهه‌ها، جاده را با شتاب ببیماییم. هم باید قاطی شد و هم درگیر، و چشمانمان از جست وجوگری و تحلیل نینزاید، بازماند. اگر به پای خود آمده ایم، باید از نیت خویش پسران شویم و اگر ما را آورده اند، باید در علت آوردنشان تامل کنیم. گام‌ها از سر تعقل برداشته می‌شود و ما قار است‌به عاقلانه‌ترین ماجرای بشر قدم بگذاریم؛ ما امروز چنین مشاهده‌گری هستیم.

شهیدان(ع)، اما در این میان نمی‌توان از اسم‌هایی نظیر حاج حسن هراتیان و حاج رضامقبل گذشت. خادمانی که تا ۷۰ تا ۸۰ ساله از عمر خود را وقف حسینیه کرده‌اند تا قداست این مکان برای همیشه تاریخ‌ساز باشد؛ بزرگان، علما و پیروگلامانی همچون مرحوم حسام واعظین، آیت‌الله فضل‌الله سجادی، حاج آقا مشکات، حاج رضا هرندی، آیت‌الله محمدتقی فشرافی، محمود سالک، حسن نوش مهر، منصور هراتیان، رسول‌اعلایی، محمود حسین زاده، محمود ساغری، مصطفی مسائلی، حسین حسین زاده، اکبر نیکزاد، محمود شاکرین، اکبر هراتیان، اسماعیل هراتیان فرد، محمد هراتیان فرد، حیدر‌اعلایی و… ظهور عاشورا ختم می‌شود و شاید این تک‌بیت، گویای تمام ماجرا باشد؛ «بی‌چیزه شمیمت همه جای تن بی‌سر/ چون شیشه عطری که درش گم‌شده باشد».



باگذشت زمان و کم‌رنگ شدن تعزیه‌خوانی، حدود ۷۰ سال پیش تکیه حالت غرقه به خود می‌گیرد و در هر غرقه منبری جداگانه برپا می‌شود. این غرقه و منبرها بیشتر شکل خانوادگی و موروثی داشتند، اما در عین حال جالب و متنکتر بودن این شکل عزاداری هم خیلی ماندگار ماند. چرا که قرار است حسین (ع) همه از نیر چتر واحدی گرد هم دریاورد، به مرور تکیه مسقف می‌شود، اول چادر منقش به نقش و نگار و صحنه عاشورا، بعد سقف چوبی و آهنی و در سال ۱۱۴۹ اولین حسینیه در اصفهان که صاحب‌سقف شیروانی

گزارشی از تکیه «حسن خاکی»؛ یاتوق ۳۰۰ ساله عزاداری اصفهانی‌ها

اینجا همه بی غل و غش، میهمان حسینند

مذهبی هستند که در ابتدا برای تعزیه‌خوانی برپا شده‌اند اما باگذشت زمان کارکرد آنها به شکل امروزی درآمده است. طبق مستندات، این تکیه راهم فردی به نام حسن خاکی چیزی حدود ۳۰۰ سال پیش برای نمایش تعزیه بنامی‌گذارد، بنایی که آنقدر محکم بود که بعد از این همه‌سال هنوز هم یکی از محفل‌های اصلی اکثر هیات‌های قدیمی و سابقه‌دار اصفهانی باشد.

⬡ محل خاص تعزیه روز دم



طبق آنچه سینه‌به‌سینه نقل شده است ورئیس هیات امنای فعلی تکیه به ما می‌گوید، در ایام قدیم در ۱۰ نقطه از محله خواجوی اصفهان تعزیه می‌شد و تعزیه روز دم محرم که حرمت خاصی میان مردم داشته و نقطه اوج عزاداری بوده فقط یک جا برپا می‌شده است: تکیه حسن خاکی، جالب اینجاست که پدر حسن خاکی رئیس تعزیه محله خواجو بوده است و پسر، راه پدر را در پیش می‌گیرد و این مکان را که ابتدا یک باغ بوده وقف تعزیه‌خوانی می‌کند، این باغ تبدیل به یک سکوی خاکی شده و به مرور در آن دیوار کشیده می‌شود و تا روزی که بساط تعزیه برپا بوده است، بیشتر اصفهانی‌ها و هیات‌های معروف اصفهانی ظهر عاشورا خود را در این تکیه عزاداری می‌کرده‌اند.

⬡ **گذرگاه اصلی هیات‌های قدیمی** منصور هراتیان در رابطه با تغییر شکل تکیه ادامه می‌دهد: می‌شود و برادران آذربایجانی (مصطفی و مرتضی) بدون ستون، سقف تکیه را پایه‌ریزی می‌کنند تا در طول محرم همه محله حسن خاکی به یکی از گذرگاه‌های اصلی تمام هیات‌ها و دسته‌های اصیل وریشه دار اصفهانی تبدیل شود.

⬡ **تکیه‌ای باغی حق همه بی‌غلامان شهر** تکیه حسن خاکی در طول این سال‌ها پیر غلامان زیادی را هم به خود دیده است که تصویر تمام این پیر غلامان در تابلویی گوشه حسینیه رخ‌نمایی می‌کند، رخ‌نمایی نه از باب نیت و جلوه‌گری که از باب غیظه خوردن به پیر غلامانی که عمر خود را وقف حسین (ع) کرده‌اند و گردوجود او گردیده‌اند و بدون هیچ چشم‌داشتی سعی کرده‌اند حرمت این مکان مقدس را حفظ کنند و فقط برایشان یک چیز مهم بوده است: رضایت ارباب و رسید و سالار

در گلستان شهدای اصفهان ، شیرخوارگان حسینی نذر امام زمان (عج) شدند: **عشق حسین (ع) ، شیرمادرم به من آموخت**
است»
در مجلسی‌که جمعه گذشته در گلستان شهدای اصفهان برگزار شد، حجت‌الاسلام والمسلمین نیلی‌پور، به بیان بعضی از جنبه‌های خانوادگی قیام امام حسین (ع) اشاره کرد که حضور امام (ع) همراه با حضرت

صدمه‌ای جدی برای جامعه اسلامی است.

وی با تأکید بر اهمیت نقش مادران در ایجاد و نگهداری این اصالت خانوادگی و باور و توحیدی و تربیت صحیح فرزندان، نقش مادران را بی‌بدیل دانست که با مسوولیت‌های دیگر اجتماعی نمی‌توان آن را معاوضه کرد. پس از سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین نیلی‌پور، حاج مهدی منصوروی، به روضه‌خوانی و مداحی پرداخت و مادران، به عزاداری بر مویسیت با ابعادالله (ع) پرداختند.

محرم خوانی

محمود فروزرخش

این روزها

دم‌چطور خیابان‌گردی می‌کنیم؟



خیابان‌گردی این روزها حال و هوای دیگری دارد؛ دیدن شهر سیاه‌پوش و جمع شدن رنگ‌های مختلف زیر رنگ و پرچمی‌که از اعماق تاریخ شیعه برافراشته شده تا در زیر سایه آن هویت ما شکل گیرد.

از محرم نمی‌شود کنار گرفت و هر چقدر هم که از کنار پیاده‌رو بروی باز هم تا چشم کاری کند، رنگ حسینی است. پس تو خواه تا خواه درگیر یک قیامت زود هنگام شد ای که برای آن سه‌ه یا بیشتر نداری؛ راه اول رست تحلیگرانه و قدم‌زدن به قصد مشاهده‌گری اجتماع است؛ این یعنی همان قاطی نشدن و به عبارتی دست‌را به آتش نرساندن، از آن دوربا وزنی از حرارت باد آورده، گرما گرفتن، اما از یخ خود آب نشدن، همچنان خود را غد و محکم نگاه داشتن، خلق الله را به نظاره ایستادن و مورد نقد و بررسی قرار دادن، خود را تافته جدا بافته دانستن و دیگران را دیگری ندانستن؛ این مرام مردم نوع اول است، مرام چرندی مانند عطش ظهیر تابستان و آب نخوردن و یا برهنه شدن، اما درآب نپریدن. راه دوم قاطی مردم شدن، به این سو و آن سو سرک کشیدن، اما بدون نیت، در شور و شرکت کردن، اما بدون شعور و بالا و پایین رفتن بدون هدف. نه مثل نوع اول در پیاده‌رو که این بار در متن خیابان بودن و نه مثل نوع اول مشاهده‌گر که این بار فاعل و سخت‌کوشا بودن.

یکی شدن، اما بدون مقدمات لازم از جهت حفظ کافی ولذت واقی بردن. یا جمعیت، توده وار حرکت کردن بدون اندیشیدن وبدون درد داشتن. عاشورا را خواستن و طلب بودن، نه به خاطر یک فهم تاریخی؛ یا تمنا بی‌عرقانی، بلکه به خاطر هیجانی دورهمی؛ همچون شخصی که در کربلا حاضر بشود و در آن لحظات قتلگاه با شمر و سنان سلفی بگیرد! راه سوم جاده مواصلاتی «من» به «ما» است؛ جاده‌ای که چراغ قرمز دارد و پشت آن باید اندیشید و بعد از آن با اندیشید، عاشورا می‌آید تا ما درست در وسط معرکه قرار بگیریم و اگر در کربلای ۶۱ نبودیم، اکنون در نفسای ظهور، های و هوای محرم می‌آید تا بیدار شویم و خود را با عاشورای همیشه جاودان و جاری تاریخ پیوسته بدانیم. پس فصل، فصل یکی شدن است؛ فصلی که دومی ندارد، فرصت تنگ است و باید در یکی از همین دهه‌ها، جاده را با شتاب ببیماییم. هم باید قاطی شد و هم درگیر، و چشمانمان از جست وجوگری و تحلیل نینزاید، بازماند. اگر به پای خود آمده ایم، باید از نیت خویش پسران شویم و اگر ما را آورده اند، باید در علت آوردنشان تامل کنیم. گام‌ها از سر تعقل برداشته می‌شود و ما قار است‌به عاقلانه‌ترین ماجرای بشر قدم بگذاریم؛ ما امروز چنین مشاهده‌گری هستیم.

شعر عاشورا



به بام بر شده ام از سپیده تو بگویم
اذان به وقت گلوی بریده تو بگویم
اذان به وقت گلویی که قطعه قطعه غزل شد
غزل غزل شده ام تا قصیده تو بگویم
غزل غزل شده ام ای شهید عشق که چون گل ز عاشقان گریبان دریده تو بگویم
هزار مرتبه آتش شدم نشد که غروبی ز خیمه‌های به آتش کشیده تو بگویم
به بام بر شده ام با عقیق، آینه، سبزه مگر ز دیدن ماه ندیده تو بگویم
به بام بر شده ام تنه، با صدای بریده اذان به وقت گلوی بریده تو بگویم

علیرضا قزو